

راهنمای فرهنگ‌نگاری عملی آکسفورد، سو اتکینز و مایکل راندل، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۰۸، ۵۴۰ صفحه^۱.

در مطالعات اخیر زبان‌شناسی، به کاربرد زبان توجه بیشتری، نسبت به دهه‌های گذشته، نشان داده می‌شود و امروزه دانش نظری ما در این باره با استخراج اطلاعات از پایگاه‌های الکترونیکی عمق بیشتری می‌یابد. این امر سبب شده‌است فرهنگ‌نگاری، یعنی کار تدوین و تهیه فرهنگ، از یک فعالیت سنتی و دستی به صنعتی تبدیل شود که می‌تواند پاسخگوی نیازهای جدید در توصیف‌های زبانی باشد. با وجود سابقه طولانی در کار تهیه فرهنگ، فرهنگ‌نویسان، به جز تا همین اواخر، رغبت چندانی به بازنگری در کار خود و ایجاد چارچوبی نظری بر پایه اصولی مشخص از خود نشان نداده‌اند. خوشبختانه امروزه دسترسی به انجمن‌های بین‌المللی، کتاب‌های درسی و مرجع، نشریات و وب سایت‌های مربوط و نیز برپایی همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی در مراکز علمی مختلف در تبادل اطلاعات میان متخصصان و گسترش این رشته نقش مهمی ایفا می‌کند.

به‌طور کلی، فرهنگ‌نگاری را می‌توان به دو شاخه اصلی تقسیم کرد: فرهنگ‌نگاری عملی، که شامل گردآوری، نگارش و ویرایش فرهنگ‌هاست، و فرهنگ‌نگاری نظری یا فرافرهنگ‌نگاری^۲، که به تحلیل و توصیف روابط معنایی، هم‌نشینی و جانشینی در واژگان یک زبان و نیز شکل‌گیری نظریه‌ای برای اجزا و ساختارهای ارتباطی فرهنگ، نیازهای ارتباطی کاربران و چگونگی دستیابی به این اطلاعات می‌پردازد. شاخه‌های مختلف این حوزه عبارت‌اند از، تاریخ فرهنگ‌ها، نقد فرهنگ، رده‌شناسی فرهنگ‌ها، ساختار فرهنگ، کاربرد فرهنگ‌ها و تکنولوژی اطلاعات در فرهنگ‌ها از آن جمله‌اند. کتاب‌های مفید زیادی نیز در هر دو شاخه اصلی فرهنگ‌نگاری به‌رشته تحریر درآمده که از آن میان می‌توان به راهنمای فرهنگ‌نگاری (۱۹۷۱) اثر زگوستا، اصول و کاربرد فرهنگ‌نگاری (۱۹۸۳) نوشته هارتمن، مبانی فرهنگ‌نگاری (۱۹۸۴) اثر کیپفر و فرهنگ‌ها: هنر و فن فرهنگ‌نویسی (۱۹۸۴ و ۲۰۰۱) نوشته لاندو اشاره کرد. از جدیدترین کتاب‌ها در این زمینه نیز راهنمای فرهنگ‌نگاری عملی آکسفورد (۲۰۰۸) است. این کتاب حاوی دستورالعمل‌هایی است در مورد چگونگی تولید فرهنگ که در آن برنامه‌ریزی، بهره‌گیری از امکانات و تدوین مطالبی برای مراجعه کاربران به‌صورت مرحله به مرحله تشریح شده‌است. مخاطبان کتاب کسانی هستند که به کار فرافرهنگ‌نگاری اشتغال دارند، یعنی کسانی که برای آنها فرهنگ به‌خودی خود سوژه بررسی است.

¹ Atkins, B. T. Sue and Michael Rundell (2008), *The Oxford Guide to Practical Lexicography*, Oxford: Oxford University Press.

² metalexigraphy

از افراد برجسته این حوزه می‌توان به اچ. ای. ویگان^۱، اف. جی. هاوسمن^۲، گابریله استاین^۳، رینهارد هارتمن^۴ و هانری بژوان^۵ اشاره کرد. نویسندگان کتاب، سو اتکینز و مایکل راندل، دو تن از افراد معروف و برجسته‌ای هستند که به همراه آدام کیلگاریف^۶ به آموزش فرهنگ‌نگاری و ارائه مشاوره در این زمینه اشتغال دارند.

کتاب سه بخش دارد که هر یک به فصل‌هایی، مجموعاً دوازده فصل، تقسیم شده‌است. بخش اول که حدود نیمی از حجم کتاب را به خود اختصاص داده و مقدمات کار^۷ نام دارد شامل هفت فصل می‌باشد. در این بخش مراحل برنامه‌ریزی در پروژه فرهنگ‌نویسی شرح داده‌شده و از آنچه فرهنگ‌نویس باید بداند، اقداماتی که باید انجام دهد و منابع مورد استفاده وی سخن به‌میان آمده‌است. بخش دوم تحلیل داده‌ها^۸ نام دارد و حاوی دو فصل است که خواننده را با دو کار مهم و اساسی، یعنی تفکیک معنا و ثبت اطلاعات مربوط به سر مدخل، آشنا می‌کند. بخش سوم با عنوان تدوین مدخل^۹ در سه فصل به چگونگی تنظیم مدخل‌ها در فرهنگ‌های یک‌زبانه و دوزبانه پرداخته‌است. در آغاز هر یک از فصل‌ها محتوای آن فصل به صورت نمودار آمده و در پایان هر یک نیز فهرستی از منابع مرتبط با موضوع و نیز وب‌سایت‌های مفید در رابطه با مبحث مورد نظر معرفی شده‌اند. فصل‌هایی که در آنها کار تهیه متن فرهنگ مورد بحث گرفته دارای تمرین‌هایی در انتها هستند.

در فصل یک یا مقدمه آمده است که تمرکز این کتاب بر ارائه روش‌های عملی برای تبدیل اطلاعات زبانی خام به فرهنگ است. به عقیده پدیدآورندگان کتاب، "فرهنگ کامل" وجود ندارد و تمام فرهنگ‌ها به نوعی ناقص و "در حال شکل‌گیری" اند و لذا راه درست و دقیقی برای ایجاد آنها وجود ندارد. آنان ادعا می‌کنند که در این کتاب روش‌هایی را ارائه کرده‌اند که در طول سال‌ها کارآمد بوده است. با اینکه اغلب مثال‌های کتاب از فرهنگ‌های انگلیسی و گاه انگلیسی-فرانسوی گرفته شده، تکنیک‌های فرهنگ‌نگاری در آن عمدتاً زبان-آزاد است. آنان همچنین بیان داشته‌اند که فرهنگ، توصیفی است از واژگانی که اعضای یک جامعه زبانی به کار می‌برند و لذا نقطه شروع این توصیف باید ارائه شواهدی باشد که نشان دهد این اعضا هنگام برقراری ارتباط چه می‌کنند. در این رابطه، فرهنگ‌نویس برای دستیابی به داده‌های زبانی به تکنولوژی زبان (یعنی کامپیوتر، اتصال به اینترنت و نرم‌افزارهایی جهت استخراج داده‌ها از پیکره) و برای تحلیل آن داده‌ها به نظریه زبانی نیاز دارد. همچنین وی باید مخاطب فرهنگ و نیازهای او را بشناسد. ولی از سوی دیگر، نویسندگان گفته‌اند که این کتاب درباره "فرهنگ‌نویسی نظری" نیست و البته این بدان معنا نیست که آنها به زمینه‌های نظری کار توجهی ندارند، بلکه به عقیده آنان، بسیاری از نظریه‌های زبانی با نظام‌مندتر کردن کار به کمک فرهنگ‌نویس می‌آیند. از حوزه‌های مرتبط با فرهنگ‌نگاری می‌توان به معنی‌شناسی

¹ H. E. Wiegand

² F. J. Hausmann

³ G. Stein

⁴ R.R.K. Hartmann

⁵ H. Béjoint

⁶ A. Kilgarriff

⁷ pre-lexicography

⁸ analysing the data

⁹ compiling the entry

واژگانی، نظریه شناختی، کاربردشناسی و زبان‌شناسی کاربردی اشاره کرد. از جمله زبان‌شناسانی که کار آنها در فرهنگ‌نگاری تأثیر بسزایی داشته می‌توان چارلز فیلمور^۱، ایگور ملچوک^۲، جان سینکلر^۳، یوری آپرسیان^۴، آلن کروز^۵، الینور روش^۶، بث لویین^۷، آنی زانن^۸ و جرج لیکاف^۹ را نام برد. این افراد مستقیماً به مسائل فرهنگ‌نگاری نپرداخته‌اند، بلکه، بنا به اظهار نویسندگان کتاب، روش‌های گوناگونی را برای نگرستن به مسائل زبانی پیش پای ما قرار داده‌اند.

فصل دو کتاب به چگونگی شکل‌گیری فرهنگ می‌پردازد و به ویژگی‌هایی که در رده‌بندی فرهنگ‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد، اشاره دارد. از جمله این معیارها می‌توان از یک‌زبانه یا دوزبانه بودن فرهنگ، گستره آن، اندازه و شکل فرهنگ (یعنی فرهنگ‌های مکتوب یا الکترونیکی)، سازمان‌بندی آن (یعنی از واژه به معنا یا برعکس)، سن، زبان، مهارت‌های زبانی و هدف کاربر از مراجعه به فرهنگ و میزان آشنایی او با قواعد رایج نمایش در فرهنگ نام برد. نیز عنوان شده که بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها در مورد محتوا و شیوه نمایش^{۱۰} در فرهنگ بسته به نوع کاربر و نیازهای اوست.

در **فصل سه**، از طراحی، گردآوری و مراحل تحلیل داده‌های زبانی که مواد خام فرهنگ را تشکیل می‌دهند صحبت شده‌است. دو موضوع اساسی که در اینجا مورد بحث قرار گرفته عبارت‌اند از شاهدها و پیکره زبانی. وجود شاهد مثال که تعمیم‌هایی درباره رفتار واژه در موقعیت‌های ارتباطی توسط کاربر ارائه می‌کند برای اثبات اعتبار فرهنگ ضروری می‌نماید. همچنین در این فصل، شیوه استخراج شواهد از متون، ضرورت ایجاد یک برنامه برای خواندن متن‌ها، اطلاعات مورد نیاز برای هر یک از شاهدها (مانند کلیدواژه، جمله‌ای که شاهد در آن به کار رفته و منبع مورد استفاده)، مراحل تهیه پیکره، عوامل دخیل در انتخاب متون و نیز مزایا و معایب این روش به تفصیل بحث شده‌است. اندازه پیکره، انواع متون (اعم از گفتاری، نوشتاری، ادبیات، روزنامه و غیره) و ویژگی‌های هر کدام از آنها (یک یا دوزبانه بودن، هم‌زمانی یا درزمانی بودن) و روش‌ها و معیارهای انتخاب آنها نیز مورد بحث قرار گرفته‌است. مثلاً گفته شده که در انتخاب نوع متن و اینکه هر متن چه درصدی را در تشکیل پیکره به خود اختصاص می‌دهد، از روش‌های معمول در علوم اجتماعی - در اینجا نمونه‌گیری لایه‌ای^{۱۱} - استفاده می‌شود. استفاده از اینترنت در استخراج داده‌ها تحول بزرگی در این کار ایجاد کرده‌است. تبدیل ماده خام به دست‌آمده به فرمت رایانه‌ای مناسب، حذف بخش‌های زائد، کدگذاری و علامت‌گذاری^{۱۲} ساختار متن و مدخل‌گزینی نیز به کمک رایانه انجام می‌شود.

¹ C. Fillmore

² I. Mel'čuk

³ J. Sinclair

⁴ J. Apresjan

⁵ A. Cruse

⁶ E. Rosch

⁷ B. Levin

⁸ A. Zaenen

⁹ G. Lakoff

¹⁰ presentation

¹¹ stratified sampling

¹² marking

فصل چهار فرآیند نگارش فرهنگ و نقش پیکره را در این کار مد نظر قرار می‌دهد. فرهنگ‌نویسان از نظر نوع کاری که انجام می‌دهند (یعنی تحلیل، ترجمه و تنظیم مدخل) به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند. تشکیل یک پایگاه داده‌های زبانی بر مبنای پیکره و مزایای این کار نیز در این جا بحث شده‌است. جستجو در پیکره، یافتن مفاهیم معنایی^۱ مختلف، مشخص کردن باهم‌آیی‌ها و کدگذاری دستوری در مرحله تحلیل انجام می‌شود. در فرهنگ‌های یک‌زبانه، تنها دو مرحله، یعنی تحلیل و ترکیب^۲، وجود دارد. ولی در فرهنگ‌های دوزبانه، یک مرحله انتقال^۳ نیز بین این دو قرار می‌گیرد که طی آن، معادل‌هایی برای سرمدخل نوشته می‌شود. در مرحله ترکیب، مشکل‌ترین کار تفکیک معنایی و تعریف‌دهی است. از نرم‌افزارهای کارآمد در کار تحلیل و جستجوی داده‌ها CQS^۴ است. قابلیت ثبت موارد رخداد^۵ سرمدخل در بافت‌های مختلف، برچسب‌دهی و ارائه اطلاعات مربوط به منبعی که سرمدخل در آن به کار رفته از مزایای این نرم‌افزار است. نرم‌افزار دیگری که در این فصل از آن نام برده شده DWS^۶ می‌باشد که امکان گردآوری متن فرهنگ را بر روی رایانه فراهم می‌کند. شیوه‌نامه^۷ عبارت است از دستورالعملی مکتوب حاوی راهکارهایی در مورد طراحی هر یک از اجزای خرد ساختار. انواع اطلاعاتی که در شیوه‌نامه می‌آید، عبارت‌اند از اطلاعات صرفی، گونه‌های مختلف املائی، اطلاعات دستوری، برچسب‌های کاربردی، تعاریف، مثال‌ها، مشتقات سرمدخل و ارجاعات. مواردی مانند صورت‌های جمع، اسم فاعل یا اسم مفعول، کلمات مرکب، نحوه مدخل کردن مشتقات و نیز اختصارات در شیوه‌نامه بحث می‌شود. ارائه روش و الگو برای تعریف واژه‌هایی که در یک مجموعه واژگانی^۸ قرار می‌گیرند، در شیوه‌نامه و پیش از شروع کار تعریف‌نگاری باید مشخص شود. نکته قابل توجه آن است که در این کتاب به اطلاعات آوایی و شیوه نمایش این اطلاعات اشاره‌ای نشده‌است.

در **فصل پنج** آمده‌است که فرهنگ‌نویسی در حوزه زبان‌شناسی کاربردی قرار می‌گیرد، ولی بسیاری از کسانی که به این کار اشتغال دارند به‌طور رسمی در زمینه زبان‌شناسی آموزش ندیده‌اند، بلکه بیشتر به شم زبانی و تجربیات خود تکیه می‌کنند. با این حال، نویسندگان بر این نکته اذعان دارد که آگاهی از برخی نظریه‌ها و مفاهیم مربوط به زبان می‌تواند کمک بزرگی در کار فرهنگ‌نگاری باشد. در این فصل از برخی روابط معنایی بین واحدهای واژگانی همچون ترادف، تضاد، شمول معنایی، جزء-واژگی، چند معنایی و نیز نقش آنها در نوشتن تعریف صحبت شده‌است. همچنین از معناشناسی چارچوبی فیلمور^۹، یعنی نظریه‌ای که زیربنای اصل ارتباط در فرهنگ‌نگاری است، صحبت به میان آمده و نظریات ملچوک در باب کارکردهای واژگانی^{۱۰} نیز در این فصل مورد بحث قرار گرفته‌است. مبحث مهم دیگر در این فصل، نمونه اعلا^{۱۱} است که توسط الینور روش و همکارانش مطرح شد و در زبان‌شناسی شناختی لیکاف، لانگاکر^{۱۲} و دیگران مورد بررسی

¹ sense

² synthesis

³ transfer

⁴ Corpus Query System

⁵ concordance

⁶ Dictionary Writing System

⁷ style guide

⁸ lexical set

⁹ Fillmore Frame Semantics

¹⁰ lexical functions

¹¹ prototype

¹² R. Langacker

قرار گرفت. نمونه اعلا در فرهنگ‌نگاری به‌ویژه در رفع ابهام از مفاهیم مختلف واژه و تعریف‌دهی بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد. در این فصل از پروژه Word Net نیز صحبت شده که پایگاه داده‌های زبانی عظیمی است که توسط جرج میلر^۱ در دانشگاه پرینستون انجام شد. در این پروژه، اسم‌ها، فعل‌ها، صفت‌ها و قیده‌های انگلیسی به گروه‌هایی به‌نام Synset یا مجموعه‌هایی از واژه‌های مترادف که هر یک بیان‌کننده یک مفهوم^۲ هستند و به‌صورت شبکه‌ای معنایی با هم مرتبط‌اند تقسیم می‌شوند. این پایگاه داده‌ها که از سوی فرهنگ‌نویسان بسیار مورد استقبال قرار گرفته‌است در جامعه پردازش زبان‌های بشری (NLP) کارآیی زیادی دارد و در کشورهای اروپایی با نام Euro Word Net به کار می‌رود.

در **فصل شش** به تصمیمات مهمی که در رابطه با محتوای فرهنگ باید گرفته شود و نیز به اصطلاحاتی همچون کلان ساختار و خرد ساختار اشاره شده‌است. تصمیم‌گیری درمورد نوع مدخل و تنظیم فهرستی از سرمدخل‌ها ذیل کلان ساختار بحث می‌شود. در این فصل، انواع اقلام واژگانی، اعم از ساده و مرکب، بخش‌های دیگر فرهنگ یعنی مطالب آغازین^۳ و پایانی^۴ و نیز تنظیم الفبایی مدخل‌ها مورد بحث قرار گرفته‌است. عوامل دخیل در انتخاب سرمدخل‌ها، نشان‌دادن تقطیع هجایی، تصمیم‌گیری در مورد چگونگی مدخل کردن انواع مختلف واژه‌های هم‌نگاشت، توضیح درباره هر یک از انواع مدخل‌ها، اختصارات، واژه‌های دستوری و مدخل‌های دائرة‌المعارفی از دیگر موضوعات مورد اشاره در این فصل هستند.

در **فصل هفت** آمده‌است که اطلاعات ارائه شده در مدخل فرهنگ باید به روشنی و منطبق با نیازها و مهارت‌های کاربر باشد. در این فصل هر یک از اجزای مدخل شامل خودِ سرمدخل، معنا (یا معادل‌ها در فرهنگ‌های یک‌زبانه)، اطلاعات دستوری، ترکیبات و باهم‌آیی‌ها، برچسب‌ها، توضیحات کاربردی و مدخل‌های فرعی معرفی شده و نحوه آرایش یا قرارگیری آنها مورد بحث قرار گرفته‌است. همچنین گفته شده که رعایت یکدستی از اهمیت زیادی برخوردار است. این کار امروزه به‌وسیله نرم‌افزار DWS انجام می‌شود. ساختار مدخل در تفکیک معنا، بسته به نظر فرهنگ‌نویس، می‌تواند مسطح^۵ یا چندلایه^۶ باشد. در ساختار مسطح، معانی مختلف سرمدخل با شماره‌هایی به‌صورت ۱، ۲، ۳ و غیره از یکدیگر تفکیک می‌شوند، ولی در ساختار چندلایه، معانی اصلی^۷ با شماره و معانی فرعی^۸ تر^۹ با حروف به صورت ۱.الف، ۱.ب و غیره نمایش داده می‌شوند که بدین ترتیب رابطه آنها با معنای اصلی مشخص می‌گردد. ترتیب آوردن معانی نیز ممکن است تاریخی، بسامدی یا معناشناختی باشد.

فصل هشت که اولین فصل از بخش دوم کتاب است با تمرکز بر سرمدخل^۹ به چگونگی استخراج معنا یا مفهوم از داده‌های زبانی خام می‌پردازد و درمورد اینکه چگونه می‌توان این کار را با دقت و اطمینان

¹ G. Miller

² concept

³ front matter

⁴ back matter

⁵ flat

⁶ tiered

⁷ main sense

⁸ subsense

⁹ Lemma

بیشتری انجام داد، راهکارهایی ارائه می‌کند. در این فصل از دو روش پیشنهادی جانسون، یعنی تجمع^۱ و تفکیک معانی^۲، صحبت به میان آمده‌است. در این دو روش، معانی مختلف واژه به صورت مفهوم‌هایی شماره‌گذاری شده، مشخص می‌شوند. همچنین روش‌های معمول در تفکیک معنا یعنی روش کلاسیک و نظریه نمونه اعلا شرح داده شده‌اند. از مزایای روش اخیر نسبت به روش کلاسیک آن است که به کاربر این امکان را می‌دهد که نمونه اعلا را پایه قرارداده و معانی و کاربردهای دیگر را که معنای آن نمونه اعلا را به ذهن متبادر می‌کنند، درک کند. همچنین فرق چند معنایی با هم‌نامی، مبنای جدا کردن سرمدخل‌ها (مقوله دستوری، هم‌آوایی یا هم‌نامی)، صورت‌های گوناگون چند معنایی و عواملی که منجر به پیدایش آن می‌شود (مثل تخصیص معنایی یا گسترش معنایی) و نیز تکنیک‌های عملی برای رفع ابهام از مفاهیم مختلف یا WSD^۳ در اینجا به تفصیل بحث شده‌است.

فصل نه به واحد واژگانی^۴، فرآیند گردآوری و تنظیم مدخل‌های پایگاه داده‌های یک‌زبانه و تکنیک‌ها و مواد لازم برای این کار اختصاص دارد. ساختار مدخل، اجزای خرد ساختار (طبقه دستوری واژه، معنا، مثال، برچسب‌ها، ارجاعات و توضیحات کاربردی) و شیوه نمایش این اطلاعات در این فصل به طور کامل مورد بحث قرار گرفته‌است. در اینجا از مدخل دادگانی^۵ نام برده شده که حاوی اطلاعات کامل مربوط به سرمدخل و دارای حجمی حدود دو برابر مدخل نهایی می‌باشد. اینکه چه اقلامی باید سرمدخل قرارگیرد، صورت بنیادی^۶ سرمدخل، انواع مدخل‌های چند کلمه‌ای یا MWE و روش‌هایی برای مدخل کردن آنها، از دیگر موارد بحث شده در این فصل هستند.

فصل ده یا اولین فصل از بخش سوم کتاب به آخرین مرحله در کار فرهنگ‌نگاری، یعنی ترکیب، می‌پردازد. در این مرحله، برای هر مدخل اطلاعات کافی ثبت شده‌است. پس از تفکیک معنا مشکل‌ترین کار در این زمان نوشتن تعریف است. در اینجا شناخت کاربر، شیوه‌نامه و الگوهایی برای تعریف واژه‌هایی که در یک خوشه معنایی قرار می‌گیرند، از لوازم مورد نیاز برای تعریف‌دهی دانسته شده و از کارکردهای دوگانه تعریف، یعنی رمزگشایی و رمزگذاری، صحبت به میان آمده‌است. میزان کارایی تعاریف نیز وابسته به میزان آشنایی کاربر با زبان، موضوع و قواعد رایج نمایش در فرهنگ دانسته شده‌است. معیارهایی نیز برای قابل‌فهم بودن تعاریف برشمرده شده‌اند. سه الگوی رایج در تعریف‌دهی، یعنی الگوی سنتی، نمونه اعلا و استفاده از مترادف، همراه با مزایا و معایب هر یک، رعایت بی‌طرفی در نوشتن تعریف و مشکلات مربوط به آن نیز در اینجا مورد بررسی قرار گرفته‌است. اصول سنتی که در تعریف‌نگاری باید رعایت شود، عبارت‌اند از استفاده از واژگان آشناتر از سرمدخل، اجتناب از دور بودن تعاریف، جایگزین‌پذیری تعریف و رعایت ایجاز. از الگوهای تعریف می‌توان از تعریف به صورت جمله کامل^۷ نام برد. موارد مشکل‌آفرین در کار تعریف‌دهی اسم‌های معنی و کلمات دستوری هستند. واژگان تعریف باید محدود و از پربسامدترین واژه‌ها باشند. مثال‌ها نیز که معمولاً یا به صورت عبارت کوتاه و یا جمله کامل هستند گاه از متون استخراج شده‌اند و گاه تخیل فرهنگ‌نویس در

¹ Lumping

² Splitting

³ Word Sense Disambiguation

⁴ LU

⁵ database entry

⁶ canonical

⁷ full-sentence

شکل‌گیری آنها نقش داشته‌است. به طور کلی وجود مثال به‌عنوان شاهدهی برای تأیید درستی معنا یا روشن شدن آن و یا برای نشان دادن ویژگی‌های بافتی سرمدخل، مانند باهم‌آیی‌ها یا سیاق آن، لازم و ضروری می‌نماید. بدیهی است که مثال‌ها باید طبیعی و عام، اطلاع‌رسان و فهم‌پذیر باشند.

فصل یازده درباره مرحله انتقال که در فرهنگ‌های دوزبانه مطرح می‌شود صحبت می‌کند. به این صورت که ابتدا در مرحله تحلیل، واحدهای واژگانی مختلف و اطلاعات مربوط به هر یک را همراه با مثال‌ها مشخص می‌کنند. سپس در مرحله انتقال، معادل‌هایی را برای هر یک در زبان مقصد انتخاب می‌کنند. در این فصل از دو نوع ترجمه نام برده شده: ترجمه درون-بافتی^۱ و ترجمه برون-بافتی^۲، که اولی ترجمه بافت-وابسته و دومی بافت-آزاد است. بهترین معادل، ترجمه مستقیم^۳ سرمدخل یا معادلی است که برای اغلب بافت‌ها مناسب باشد. برای ارزیابی معادل‌ها باید محتوای معنایی، بافت باهم‌آیی، نوع واژگان (هماهنگی سبک و سیاق)، معنای زیرساختی و نقش آنها در بیان یا تفسیر جمله بررسی شود. برای یافتن معادل، از پیکره زبان مقصد استفاده می‌شود. در اینجا از دو نوع پیکره موازی^۴ نام برده شده است که مجموعه‌ای از پیکره‌ها هستند که در آنها متونی از یک زبان با متونی از زبان دیگر متناظرند. این پیکره‌های موازی، پیکره ترجمه‌ای^۵ (۱) و پیکره مقایسه‌ای^۶ هستند که در اولی، هر دو پیکره حاوی متون ترجمه شده‌اند و در دومی، بر اساس یک پارامتر مشترک، مثلاً موضوع، انتخاب شده‌اند.

در **فصل دوازده** که آخرین فصل کتاب نیز هست منابع ساخت مدخل، یعنی ویژگی‌های کاربر، شیوه‌نامه و مدخل‌های قالبی خوشه‌ای^۷، مورد بحث قرار گرفته‌اند. دو نوع کاربر در فرهنگ‌های دوزبانه وجود دارد که هدف آنها از مراجعه به فرهنگ می‌تواند رمزگذاری یا رمزگشایی باشد. شناخت درست از کاربر، فرهنگ‌نویس را در تصمیم‌گیری در مورد مدخل‌گزینی، تفکیک معنا، به‌کارگیری برجسب‌ها، ارائه اطلاعات دستوری و انتخاب مثال‌ها یاری می‌کند. این شناخت همچنین تصمیم‌گیری را در مورد میزان اطلاعات گنجانده شده در فرهنگ و نحوه ارائه آن آسان‌تر می‌نماید. توزیع اطلاعات در مدخل باید یکسان باشد. نکته قابل توجه در مورد سرمدخل‌های چندکلمه‌ای یا MWEها رعایت یکدستی در این مورد است که آنها ذیل کدام واژه و با چه صورتی سرمدخل شوند. مدخل‌های فرعی^۸ نیز که بدون تعریف ذیل سرمدخل اصلی می‌آیند از موضوعاتی هستند که در مورد آنها اتفاق نظر وجود ندارد.

کتاب *راهنمای فرهنگ‌نگاری عملی آکسفورد* از جمله منابع جدید، جامع و بسیار مفیدی است که برای کسانی که در حوزه فرهنگ‌نویسی فعالیت می‌کنند می‌تواند راه‌گشا باشد. در این کتاب، اصول کار و روش‌های آرموده شده به زبان ساده و همراه با مثال‌های متعدد شرح داده شده‌اند. معرفی منابع گوناگون و طبقه‌بندی آنها برحسب موضوع، گنجاندن وب سایت‌های مفید در لیست منابع، نام بردن از مراحل مختلف

¹ in context

² out of context

³ direct translation

⁴ parallel

⁵ translation corpus

⁶ comparable corpus

⁷ template entries

⁸ run-on

کار و ذکر اهمیت مرحله آغازین و لزوم تقسیم کار و همچنین اشاره به نقش تکنولوژی، یعنی نرم‌افزارهای جدید، در فرهنگ‌نگاری از دیگر امتیازات این کتاب محسوب می‌شود.

ساغر شریفی

منابع

- Answers.com/topic/lexicography*.
Hartmann, R.R.K. (1983). *Lexicography: Principles and Practice* (Applied Language Studies Series). London: Academic Press.
————— (ed.) (2003). *Lexicography: Critical Concepts*. 3 vol. London & New York: Routledge/Taylor & Francis.
Kipfer, B. A. (1984). *Workbook of Lexicography*. (Exeter Linguistic Studies 8, Exeter: University of Exeter.
Landau, S. (1984/2001). *Dictionaries: The Art and Craft of Lexicography*. New York NY: Scribner's Sons.
Sterkenburg, P. (ed.) (2003). *A Practical Guide to Lexicography*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company. Wikipedia.org/wiki/Lxicography.
Zgusta, L. (1971). *Manual of Lexicography*. The Hague: Mouton.

